

روابط اقتصادی ایران و آمریکا در دوره ریاست جمهوری لیندون جانسون (1342-1348 ش.)

منصور حیدری^۱

کاظم نیازی نشاط^۲

◆ چکیده

روابط اقتصادی ایران و آمریکا از مسائل مهم دوره پهلوی دوم است. در این دوره، بیشتر برنامه‌های توسعه اقتصادی در ایران، با برنامه‌ریزی‌های مستشاران آمریکایی اجراء می‌شد. برنامه صادرات و واردات میان ایران و آمریکا در فاصله سال‌های 1342-1348 ش. / 1963-1969 م. مقارن با دوره ریاست جمهوری لیندون جانسون، به طور محسوسی رو به بهبودی نهاد. در سال‌های پس از 1340 ش. استراتژی دولت شاه، ایجاد بازار مصرفی بزرگ در داخل کشور برای مصرف محصولات صنعتی کشورهای خارجی بود که به طور عمده بر منابع مالی حاصل از درآمدهای نفت اتکاء داشت. گرچه برنامه کمک اقتصادی آمریکا و روابط مشابه دو کشور در زمینه‌های دیگر در میانه دهه 1340 ش. / 1960 م. پایان یا به نحو چشمگیری کاهش یافت، ولی پیوندهای میان دو کشور، همچنان نیرومند باقی مانده بود. آمریکا می‌خواست پس از قطع کمک‌های بلاعوض خود به ایران، با اعطای وام‌های درازمدت و با سودهای مشخص، این کشور را همچنان زیر سلطه داشته باشد و بازار و جامعه ایران را برای واردات کالاهای خود آماده نگه دارد.

• واژگان کلیدی:

تاریخ پذیرش مقاله: 1393/7/5

تاریخ دریافت مقاله: 1393/4/21

1. هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی همدان، دکتری ایران دوره اسلامی

mansoo.hidary@yahoo.com

2. مدرس دانشگاه، کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی ایران

k.niazi32@gmail.com

ایران، آمریکا، روابط اقتصادی، لیندون جانسون.

مقدمه

در دهه ۱۳۴۸-۱۳۴۲ ش. / ۱۹۶۹-۱۹۶۳ م. نفت ایران در مرکز توجه آمریکا قرار داشت، زیرا شریان حیاتی اقتصاد آمریکا و ماشین‌های صنعتی آنها به این ماده حیاتی وابسته بود. اگر چه دیگر اقمار آمریکا مانند ژاپن و کشورهای اروپایی نیز برای چرخش صنایع خود از نفت استفاده می‌کردند، ولی برای آمریکا استفاده از نفت و اطمینان از برقراری جریان صدور آن، اهمیت خاصی داشت. به همین سبب، بسیاری از فعالیتهای سفارت آمریکا در بخش اقتصادی و حتی امنیتی، برای کسب اطلاعات دقیق از وضعیت نفت در ایران بود. فعالیت شبکه‌های جاسوسی در شرکت نفت برای آمریکا حائز کمال اهمیت بود (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۱۲۳). نفت از حیث جهانی، کالایی حساس است و افزایش تولید و افزایش قیمت آن اثری سریع و درازمدت بر اقتصاد شکننده جهان دارد (همان: سند ۱۰: ص ۲۱۵).

پیش از اقدام ایران برای افزایش صادرات نفت، این موضوع در یکی از جلسات مجمع عمومی شرکت‌های عامل نفت در لاهه، بررسی شده بود. دست‌اندرکاران تصمیم گرفته بودند برای مدرنیزه کردن بیشتر دستگاه‌های مختلف پالایشگاه آبادان به منظور بهبود وضع محصولات و در نتیجه افزایش محصول پالایشگاه نفت جنوب اقدام کنند. این هدف پس از بررسی‌های لازم و با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی عملی شد. ضمناً برای افزایش تولید نفت خام نیز برنامه‌هایی مانند احداث اسکله‌های صدور نفت خام و حفر چاه‌های تازه در نظر گرفته شد. با اجرای این برنامه‌ها انتظار می‌رفت در پایان سال ۱۳۴۲ ش. / ۱۹۶۳ م. میزان صادرات نفت جنوب از ۷۰ میلیون تن تجاوز کند. به طور کلی فعالیت مدیران ایرانی شرکت ملی نفت در جلسات مجمع عمومی قابل توجه بود. با توجه

به برنامه‌های سال ۱۳۴۲ ش. انتظار می‌رفت که عایدات ایران از نفت جنوب به صورت قابل توجهی افزایش یابد. البته افزایش عایدات با استخراج بیشتر نفت و دیگر فعالیت‌های مشابه ارتباط داشت و به اوپک مربوط نبود (کیهان، تیر ۱۳۴۲: ۱۱).

بر اساس چنین برنامه‌ها و طرح‌هایی، ایران در سال‌های دهه ۴۰ شمسی متحدی بسیار سیاسی در حلقه متحدان آمریکا محسوب می‌شد؛ حلقه‌ای که در برابر شوروی می‌ایستاد (مهدوی، ۱۳۷۵: ۳۹۷). آنچه‌ان که گفته شد: «سرمایه‌داران وابسته‌ای که به سبب وابستگی شریان اقتصادی‌شان به آمریکای جنایتکار، متمایل به غرب و طرفدار حضور آمریکا در ایران هستند، به تبع اینان در خدمت سیاست حضور آمریکا در ایران می‌شوند و به راحتی منبع اطلاعاتی و جاسوسی و تحلیلگر سفارت CIA قرار می‌گیرند. همچنین کمک آمریکا برای حل مسائل اقتصادی و حقوقی این افراد با کمپانی‌های آمریکایی برای خوش خدمتی و مدیون کردن آنها به خودشان تا بتوانند در موضع یک دوست خوب و یک منبع اطلاعاتی و جاسوسی برای سفارت به خوبی انجام وظیفه نمایند.» (اسناد لانه جاسوسی، ۱۳۸۶: ۸۴). با افزایش صادرات و افزایش تولید نفت، درآمدهای حاصل از نفت ایران نیز افزایش یافت و پس از آن، با افزایش تولید و بالا رفتن قیمت نفت در دهه ۵۰ شمسی، درآمدهای ایران به ارقام کلان رسید: در سال ۱۳۴۲ ش. بالغ بر ۵۵۵ میلیون دلار، در سال ۱۳۴۷، ۹۵۸ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۰، ۲/۱ میلیارد دلار بود. در مجموع در سال‌های ۵۳-۱۳۴۳ ش. کل درآمدهای نفتی ایران به ۱۳ میلیارد دلار رسید (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۵۲۵). بیش از ۸٪ نفت وارداتی آمریکا، ۱۶٪ نفت اروپای غربی، ۲۴٪ نفت ژاپن، ۷۰٪ نفت اسرائیل از ایران تأمین می‌شد. بنا بر

اظهار نظر آمریکایی‌ها، ایران در زمینه روابط خرید و فروش نفت جزء کشورهای مستقل نفتی آمریکا محسوب می‌شد (ایران در بند، 1369، 7/136).

آمار هشت ماهه اول سال 1342 ش. / 1963 م. از تولید نفت ایران، بیش از 5/8 میلیون تن افزایش را نشان می‌دهد. بنا بر آمار شرکت‌های عامل نفت ایران، میزان نفت خام تولیدی ایران در ماه اوت آن سال - از 10 مرداد تا 10 شهریور - 5 میلیون و 427 هزار تن بود و نسبت به ماه مشابه سال قبل در حدود 37 هزار تن کاهش را نشان می‌داد؛ در حالی که مجموع تولید نفت خام از اول ژانویه تا پایان 10 دی 1341 تا 10 شهریور 1342 - به 47 میلیون و 95 هزار رسید؛ یعنی نسبت به مدت مشابه سال پیش، قریب 5 میلیون و 863 هزار تن افزایش داشت. در همین ماه نفت خام تصفیه شده در پالایشگاه آبادان 1 میلیون و 330 هزار تن بود، یعنی نسبت به ماه مشابه سال قبل 238 هزار تن کمتر. مجموع نفت خام تصفیه شده از اول ژانویه تا پایان ماه اوت 11 میلیون و 760 هزار تن بود، که نسبت به مدت مشابه سال قبل، 239 هزار تن افزایش داشت. در ماه اوت قریب 1 میلیون و 45 هزار و 230 بشکه فرآوردهای نفتی برای توزیع در داخل کشور به شرکت ملی نفت ایران تحویل داده شده بود (اطلاعات، مهر 1342: 15).

با تقسیم سهم خاورمیانه در افزایش تولید نفت در سال 1343 ش. / 1964 م. تولید نفت ایران 20 درصد افزایش یافت. پس از مذاکرات میان کشورهای خاورمیانه و کمپانی‌های نفتی، اضافه تولید نفت منطقه خاورمیانه در سال 1343 ش. / 1964 م. به نسبت، میان کشورهای تولید کننده تقسیم گردید. ایران در آن سال مقام اول را به دست آورد: اضافه تولید معادل 15 میلیون تن و در حدود 20 درصد تولید سال

۱۳۴۲ش. / ۱۹۶۳م. عبدالعزیز وطاری وزیر نفت وقت عراق اعلام کرده بود که عراق در سال آینده ۹ میلیون تن اضافه تولید خواهد داشت. به این ترتیب عراق با ۱۶ درصد اضافه تولید مقام دوم را کسب کرد. در این وضعیت، اضافه تولید ایران ۱۰/۵ درصد بود و اضافه تولید عراق ۱۵/۳ درصد. بر این پایه، با در نظر گرفتن ۱۵ میلیون تن تولید اضافی در سال ۱۳۴۳ش. / ۱۹۶۴م. تولید نفت ایران در دهم دی ۱۳۴۳/ اول ژانویه ۱۹۶۵ به ۸۵ میلیون تن می‌رسید و درآمد ایران از نفت بیش از ۴۵۰ میلیون دلار می‌شد. اگر درآمد ناشی از توافق اوپک با کمپانی‌ها را در باره بهره مالکانه حساب کنیم، درآمد ایران نزدیک به ۵۰۰ میلیون دلار بوده است. این درآمد یکی از موفقیت‌های سیاست نفتی ایران در چند سال گذشته تلقی می‌شد. ایران در این دوره برای اضافه تولید امکانات وسیعی در اختیار داشت. در سال ۱۳۴۲ش. همه چاه‌های در دست بهره‌برداری آغاچاری و گچساران و نقاط دیگر، امکان تولید بیشتر از مازنون - مارون کشف شده داشتند، که استخراج از آن هنوز به مرحله تجاری نرسیده، ولی امکان چنین بهره‌برداری از آنها مقدور بود (اطلاعات، بهمن ۱۳۴۲: ۱۵-۱۶). همچنین برای افزایش تولید ایران، پس از بازگشت جمشید آموزگار وزیر کشور از کنفرانس اوپک در سال ۱۳۴۳، اعلام شد که درآمد نفت ایران بالغ بر ۲۴ میلیون دلار افزایش خواهد داشت (اطلاعات، تیر ۱۳۴۳: ۱).

در باره افزایش تولید و درآمد ایران، کشورهای خارجی از جمله آمریکا نظراتی مطرح می‌کردند، از جمله آن، می‌توان به مجله تجارت و شرکت و تراست نیویورک اشاره کرد که وضع اقتصادی ایران را بررسی کرده بود. مجله تجارت یکی از مهمترین نشریات مالی آمریکا، ضمن بررسی یادآور شد که «ایران همچنان در حال پیشرفت و ترقی است: درآمد ایران از نفت در حال افزایش است و به موازات آن، صنایع تازه‌ای در ایران تأسیس

می‌شود و ضمناً شمار کارشناسان امور صنایع و کشاورزی در این کشور روز به روز افزایش می‌یابد. ثبات اقتصادی ایران نتیجه کوشش دولت است که تصمیم دارد ارزش داخلی و خارجی ریال را ثابت نگه دارد» (کیهان، اردیبهشت 1343: 9).

در ادامه طرح افزایش تولید نفت در ایران، در سال 1344 ش. با نمایندگان کنسرسیوم در تهران مذاکراتی انجام شد. این مذاکرات پس از سخنرانی شاه در باره نفت و کمبود اضافه تولید، توجه محافل نفتی را جلب کرد. اقبال در سال 1344 ش. / 1965 م. چندین بار به کنسرسیوم نفت و شرکت‌های عامل در باره افزایش تولید تذکر داد و نوشت: «اضافه تولید» ایران در سال 1344 ش. / 1965 م. باید معادل 24 درصد «اضافه تولید» خاورمیانه و 17/5 درصد تولید اوایل سال 1343 ش. / 1964 م. ایران باشد. این رقم، سهم ایران به تشخیص کشورهای تولید کننده در سازمان اوپک بود، اما در عمل «اضافه تولید» سال 1344 ش. / 1965 م. ایران نسبت به تولید سال 1343 ش. / 1964 م. فقط اندکی بیش از 9 درصد شد؛ در حالی که در سال 1343 ش. / 1964 م. ایران 15 درصد نسبت به 1963 اضافه تولید داشت.¹

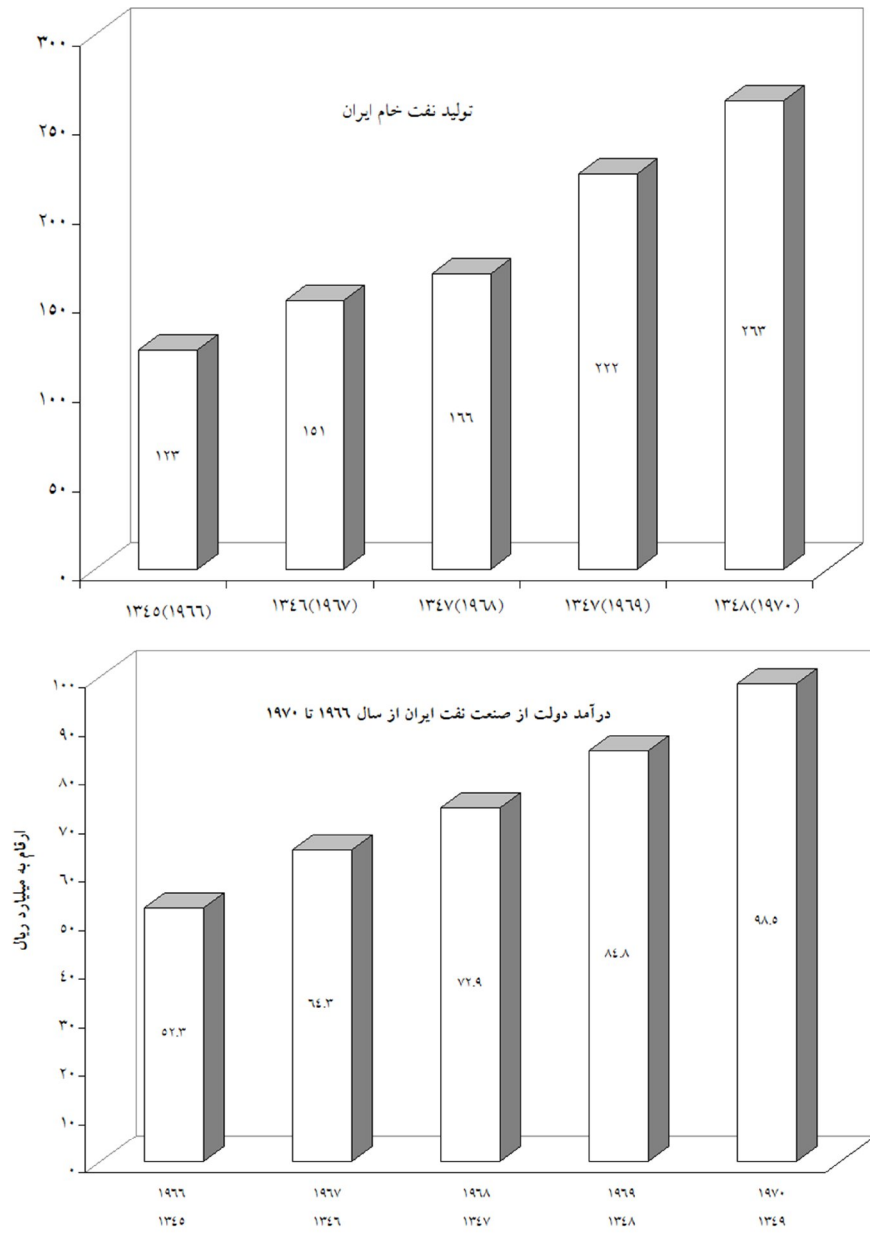
در باره افزایش تولید و صادرات نفت در کشورهای تولید کننده نفت (اوپک) رقابتی شکل گرفت، به ویژه میان ایران و عربستان سعودی که هر دو می‌خواستند به هر قیمتی، میزان تولید خود را افزایش دهند و مقام اول را در تولید نفت خاورمیانه داشته

1. دو جدول آخر بحث نمودار تولید و درآمد دولت ایران از صنعت نفت را نشان داده که بیانگر بسیاری از مسائل نفتی است. یکی از مقامات نفتی ایران اعلام کرد که ایران از نظر جمعیت و امکانات توسعه اقتصادی، حق دارد مقام اول را در اضافه تولید خاورمیانه داشته باشد. شاه نیز در سخنرانی روز سه شنبه 10 اسفند 1344 ش. به نمایندگان مجلس شورای ملی گفت: «حالا خواهید دید که درآمد نفتی ما چقدر خواهد شد». سخنان شاه اشاره‌ای به برنامه‌های وسیع نفتی ایران بود که در آینده مقام ایران را در جهان بالاتر می‌برد (اطلاعات، اسفند 1344: 29، 1).

باشند، بنابراین، با هرگونه سهمیه بندی و برنامه‌ریزی برای صادرات نفت خاورمیانه مخالفت می‌کردند. شاه با تکیه بر این واقعیت که جمعیت ایران ۵ برابر عربستان سعودی است، تولید بیشتر از کشور همسایه را حق ایران می‌دانست، اما عربستان سعودی زیر بار نمی‌رفت و حتی آماری جعلی منتشر کرد که جمعیت آن کشور را ۱۵ میلیون نفر نشان می‌داد. بدین ترتیب، بهای هر بشکه نفت تا بهمن ۱۳۴۹ از ۱/۸۰ تا ۲/۱۸ دلار بیشتر نشد و کمپانی‌های نفتی همچنان به غارت نفت خاورمیانه ادامه می‌دادند. کودتای سرهنگ قذافی در لیبی در ۱۰ شهریور ۱۳۴۸ / ۱ سپتامبر ۱۹۶۹ تا حدودی به این وضع پایان داد، زیرا او نخستین کسی بود که اصل ۵۰-۵۰ را زیر پا گذاشت و بهای هر بشکه نفت صادراتی لیبی را به ۳/۴۴ دلار افزایش داد. این اقدام سایر اعضای اوپک را نیز تشویق کرد تا از برنامه‌های او پیروی کنند. در کنفرانس وزیران نفت اوپک در بهمن ماه ۱۳۴۹ در تهران، کشورهای صادرکننده نفت به اصرار شاه ایران، که نگران کسب درآمد بیشتر برای خرید اسلحه بود، تصمیم گرفتند بهای ثابت نفت خام خود را بشکه‌ای ۳۳ سنت افزایش دهند، هزینه‌های فوق العاده کمپانی‌های نفتی را بابت افزایش بها حذف کنند و تا پنج سال آینده به جبران کاهش نرخ دلار، سالی ۵ سنت به بهای هر بشکه نفت بیفزایند (مهدوی، ۱۳۷۵: ۴۰۷).

با اینکه مسئولان ایران در فکر افزایش تولید و افزایش درآمد نفتی بودند، ولی در گفت و گو با کنسرسیوم، همه برنامه‌ها به زیان ایران بود. در میان مبارزان و مخالفان رژیم شاه، آیت‌الله سید محمد رضا سعیدی به خوبی از برنامه‌های کنسرسیوم آگاهی داشت و می‌کوشید مردم ایران را نیز آگاه کند. سعیدی در اعلامیه‌ای در این باره نوشت:

«... کنسرسیوم نفتی غارتگر آمریکایی و انگلیسی کم بود، که این بار در نظر گرفته کنسرسیومی جدید بر ملت ایران تحمیل نماید که تمام منابع حیاتی کشور را در انحصار در آورد. این بار نه تنها کشاورزی و معادن و رشته‌های وسیع صنعتی و توریستی در انحصار غارتگران یهودی آمریکا قرار می‌گیرد، بلکه توزیع مواد غذایی و غیره نیز در انحصار آنها در می‌آید. فردا اگر یک کیلو برنج یا دو متر پارچه خواسته باشید، باید به فروشگاه‌ها و و سوپر مارکت‌های راکفلر و یا اسکرانتون و ... مراجعه نمائید... ایران در آستانه‌ی عظیم‌ترین سرمایه‌گذاری خارجی است، سی و پنج نفر از رؤسای کل شرکت‌های معروف آمریکا، اواخر اردیبهشت به ایران می‌آیند. سرمایه‌گذاران آمریکایی می‌خواهند در رشته‌های کشت و صنعت، بهره‌برداری از معادن، جلب سیاحان، استفاده از منابع جنگلی، ایجاد شبکه‌ی توزیع کالا به میزان وسیع سرمایه‌گذاری کنند ... این سی و پنج نفر با نام "کمپته سرمایه‌گذاران آمریکایی" به تهران می‌آیند ... این عده با تشکیل کنسرسیومی در حدود یک هزار میلیون دلار در طرح‌های عمرانی ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند. مقدمات ایجاد این کنسرسیوم و نیز تشکیل این کنفرانس بزرگ در ایران در مسافرت شاهنشاه به ایالات متحده آمریکا فراهم شد. مسئله، ایجاد شبکه‌ی بزرگ تولید کالاها با تأسیس فروشگاه‌های بزرگ، از مدت‌ها قبل مورد نظر دولت و وزارت اقتصاد بوده است» (اعلامیه در باره سرمایه‌گذاران آمریکائی، 49/3/1).



منبع: مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، ایرج ذوقی، 1374، تهران: پازنگ

واردات و صادرات کالاهای غیرنفتی ایران و آمریکا

واردات کالا در دهه ۱۳۴۰ش. در ایران رو به فزونی نهاده بود و مصرف کالاهای وارداتی تبلیغ و تشویق می‌شد. اداره‌ها و بنگاه‌های دولتی و خصوصی ایران مملو از کارشناسان و مستشاران آمریکایی بود. به نوشته مجله دنیای جدید، چاپ تهران، آمریکایی‌ها سیاست خود را در ایران پیاده می‌کردند: «ورشکست کن، وام بده و سپس حکومت کن». آمار اوایل سال‌های دهه ۱۹۶۰ که در نتیجه رقابت خارجی، دهها بنگاه ملی صنایع سبک در کشور تعطیل شد، گواه بر عواقب هلاکت‌بار باز شدن دروازه‌های ایران به روی کالاها و سرمایه‌های خارجی است (بوندرفسکی، [بی تا]: ۷۴۹).

در مسیر پیشرفت اقتصاد و بازرگانی، مقررات صادرات و واردات چندان تغییری نکرده بود، طرح‌ها بیشتر بر اساس برنامه‌های قبلی به اجراء درمی‌آمد و همچنان بر مصارف کالاهای وارداتی تأکید می‌شد. گزارش دفتر بودجه آمریکا در باره چگونگی پیشرفت برنامه‌های اقتصادی ایران لحن انتقادی تندتری گرفت و سفیر وقت آمریکا در ایران، جولیوس هولمز ضمن گزارش به دین راسک وزیر امور خارجه آمریکا در تاریخ پانزدهم مه ۱۹۶۳م. نوشت: «ایران فاقد مدیریت قوی و پرسنل فنی لازم برای اجرای طرح‌های مورد نظر شاه است» (روبین، ۱۳۶۳: ۹۷).

واردات کالا از آمریکا به ایران

ایران با توجه به جمعیت رو به رشد، بازار مصرفی مناسبی برای کالاهای صادراتی و صنعتی ایالات متحده آمریکا، اروپای غربی و ژاپن بود. در این دوره، ایران از بازارهای مصرفی مهم جهان برای صدور کالاهای صادراتی و صنعتی و تجاری شرکت‌ها و

کمپانی‌های چند ملیتی اروپایی و آمریکایی و ژاپنی به شمار می‌رفت. ایران هم زمان با رشد و توسعه سرمایه‌داری وابسته صنعتی و نیز رشد صنایع مونتاژ، اندک‌اندک به وارد کننده بزرگ ماشین‌آلات و کالاهای واسطه‌ای و مونتاژ تبدیل شد و رابطه اصلی، یعنی نسبت افزایش درآمد نفت با ورود کالاهای صنعتی هم چنان حفظ گردید. در سال 1344ش. مجموع درآمد نفتی ایران 612 میلیون دلار و مجموع کالاهای وارداتی 719 میلیون دلار و کالاهای صادراتی غیرنفتی بالغ بر 132 میلیون دلار می‌شد. بنابراین، تناسب یک طرفه میان ایران و آمریکا همچنان برقرار بود (ترابی، 1379: 65-63). سیاست بازرگانی و تجاری ایالات متحده آمریکا در صحنه بین‌المللی و به ویژه در رابطه با کشورهای جهان سوم، بر مبنای تک محصولی کردن اقتصاد آنان استوار بود. در باره ایران نیز، بنا بر همان سیاست، بر درآمد حاصل از صادرات نفت تأکید می‌شد. نظام سرمایه داری حاکم بر ایالات متحده آمریکا کوشش می‌کرد با پدید آوردن نوعی نظام زندگی اقساطی، درآمد کشورهای جهان سوم را در ازای صدور و فروش انواع کالاهای مصرفی و صنعتی جذب کند و در این زمینه با تسلط بر بازارهای آنان و تسلط بر اقتصاد کشورهای توسعه نیافته و اعطای وام با بهره‌های کلان، بیش از پیش نفوذ خویش را گسترش دهد. ایالات متحده آمریکا از ایجاد صنایع مادر و سنگین در کشورهای جهان سوم و همچنین ایران، خودداری داشت و با صدور صنایع مونتاژ، کشور را بیش از پیش وابسته می‌کرد.

روی هم رفته، در دهه 1340ش. بندهای سرسپردگی رژیم ایران نسبت به ایالات متحده بر اثر گسترده‌گی روابط که در هر دو طرف پدید آمده بود، استوارتر شد. در این زمینه، از سوی ایران اردشیر زاهدی و هوشنگ انصاری نقش عمده داشتند و از سوی آمریکا معامله‌گرانی چون دیوید لیلینتال، دیوید و جان راکفلر، کرومیت روزولت و

سیاستمدارانی مانند روستو و آرمین مایر در گسترش روابط فعال بودند. با این همه، درگیری نیروهای صلح آمریکا در ویتنام و منازعه اعراب و اسرائیل، از توجه آمریکا به ایران و ضرورت دفاع از آن تا حدودی کاست؛ به عبارت دیگر: «این درگیری‌ها همراه با اعتماد فزاینده سیاستگذاران آمریکا به توانایی شاه برای مقابله با ناآرامی‌های داخلی سبب شد آمریکا دامنه رابطه دست نشانده‌گی را در نیمه دهه ۱۳۴۰ش. کاهش دهد. این امر به کاهش سریع کمک نظامی و اقتصادی ایالات متحده به ایران انجامید. کمک اقتصادی آمریکا که به نحوی تا سال ۱۳۴۴ش. ادامه داشت، از آبان ۱۳۴۶ش. رسماً قطع شد. در اردیبهشت ۱۳۴۶ش. دولت آمریکا اعلام داشت که ایران را از فهرست کشورهای کمک‌گیرنده برای سال ۱۳۴۷ش. حذف کرده است. در آذر ۱۳۴۶ش. کمک اقتصادی آمریکا به ایران که در سال ۱۳۲۹ش. / ۱۹۵۰م. به موجب برنامه کمک‌های فنی معروف به اصل چهار آغاز شده بود، پایان یافت. ایران به عنوان دومین کشور غیر اروپایی بود که پس از جنگ جهانی دوم از کمک‌های مالی و اقتصادی آمریکایی بی‌نیاز شده بود» (ازغندی، ۱۳۷۶: ۲۸۷-۲۸۶؛ بیل، ۱۳۷۱: ۲۸۸). آمریکایی‌ها توانستند با این ترفند، کمک‌های بلاعوض به ایران را قطع و به جای آن وام‌های کلان به دولت شاه اختصاص دهند.

دولت شاه نیز با دریافت این وام‌ها، واردات بی‌رویه کالاهای نظامی را گسترش داد. واردات ایران از آمریکا فقط شامل کالاهای مصرفی مردم نمی‌شد و باید به واردات سلاح‌های نظامی اشاره کرد که به طور عمده از آمریکا خریداری و سیل آسا به ایران سرازیر می‌شد. امام خمینی(ره) به خریده‌های کلان ایران از آمریکا اشاره کرد: «اکنون خواب تازه‌ای برای ملت ایران دیده و با خرید اسلحه و مهمات سرسام آور از آمریکا به مبلغ دو میلیارد دلار - که حدود صد و پنجاه هزار میلیون ریال می‌باشد - ملت ایران را به

خطر نابودی و سقوط اقتصادی تهدید می‌کند و با وقاحت اعلام داشته که کسری بودجه کشور در امر پرداخت آن، از طریق وام‌های خارجی و افزایش مالیات‌ها تأمین می‌گردد! من نمی‌دانم منظور از خریدن این همه اسلحه برای بیرون راندن اربابان و استعمارگرانی است که خود رژیم، دست نشانده آنها بوده و ایران را به صورت پایگاه نظامی آنان در آورده است...» (صحیفه امام، 1379: 484/2). آمریکایی‌ها نیز بر اساس دیدگاه‌های خود در توجیه خریدهای نظامی ایران، برای خرید سلاح دلایل اقتصادی ذکر می‌کردند: «ایران در رونق است و از پنج سال پیش تاکنون تفاوت دارد؛ ... طبق اظهار بانک بین المللی عمران روستایی شایستگی دادن اعتبار را دارد؛ درآمد نفتی سالیانه 500 میلیون دلار و در شرف افزایش است؛ آگاهی رشد یابنده در باره دشواری‌های بالقوه اقتصادی؛ سایر کشورها برای دادوستد با ایران رقابت می‌کنند» (اسناد لانه جاسوسی، کتاب هشتم، سند 2: 353).

آمریکا با این نوع طرح‌ها می‌کوشید مردم ایران را به این باورها برساند که دولت شاه در حال پیشرفت است، تا بتواند رابطه یک طرفه با ایران را ادامه دهد.

آمادگی ایالات متحده آمریکا برای اعطای کمک‌های نظامی و فروش جنگ‌افزارهای پیشرفته، دولت ایران را به چنان میزان توانایی رساند که بودجه نظامی خود را از 14/2 میلیارد ریال در سال‌های 40-1339ش. به 23/9 میلیارد ریال در سال‌های 46-1345ش. افزایش داد. میان سال 1329-1344ش. 2 هزار ایرانی در آمریکا آموزش نظامی دیدند و در داخل ایران سه گروه از مستشاران نظامی آمریکا به آموزش کارمندان ارتش و ژاندارمری مشغول بودند. به رغم درگیری ایالات متحده در جنگ ویتنام در دهه 1340ش. تغییری اساسی در روند صدور تسلیحات آمریکا به کشورهای جهان سوم از جمله ایران روی داد: معاملات تسلیحاتی به جای کمک‌های نظامی و صدور تسلیحات

بسیار مدرن به کشورهای که می‌توانند مبالغ آن را پرداخت کنند (ازغندی، ۱۳۷۶: ۲۸۹-۲۸۸) و ایران با توجه به درآمدهای نفتی، مشمول این طرح می‌شد. در پی برنامه نظامی آمریکا، شاه نیز در داخل دست به تغییراتی زد؛ از جمله تغییر در استراتژی توسعه اقتصادی که کمتر به واردات تکنولوژی پیشرفته از غرب و بیشتر به واردات تسلیحات و جنگ افزارهای نظامی مدرن از آمریکا تکیه داشت.

بر اساس آمار اعلام شده، میانگین کمک‌های خارجی سالانه آمریکا به ایران در زمینه نظامی و اقتصادی بدین ترتیب بود: میان سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۴۱ ش. / ۱۹۶۹-۱۹۶۲ م. در زمینه نظامی ۱۰۳/۳ میلیون دلار و در زمینه اقتصادی ۲۸/۵ میلیون دلار. البته کمک‌های آمریکا به ایران در این دو زمینه نسبت به سال‌های پیش تفاوت‌هایی داشت: در زمینه نظامی از سال ۱۳۴۹ ش. همیشه در حال افزایش بود و در زمینه اقتصاد نیز در سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۴۰ ش. / ۱۹۵۴-۱۹۶۱ م. میزان کمک آمریکا حتی بیشتر از دوره‌های بعدی افزایش یافت و به ۶۴/۵ میلیون دلار رسید (گازیوروسکی، ۱۳۷۳: ۲۱۶).

در دهه‌های ۱۳۵۰-۱۳۴۰ ش. درآمد نفتی ایران مایه اصلی رشد اقتصادی بود و از کل بودجه سازمان برنامه فراتر می‌رفت و از سال ۱۳۴۳ ش. به بعد، بالغ بر ۴۹ درصد سرمایه ثابت ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد (همان: ۲۳۵-۲۳۴). چنین رقم‌هایی می‌تواند شاخص تقریبی کمک‌های اقتصادی آمریکا را بر اقتصاد ایران نمایش دهد. نماینده آمریکا در رابطه با کمک‌های اقتصادی و همچنین بازارهای تجاری در کشوری مانند ایران، این کمک‌ها را برای کشورهای در حال توسعه یا نیازمند به کمک آمریکا مفید می‌دانست و گونه‌ای برنامه‌ریزی می‌کرد که گویی در حق این ملت‌ها لطف

می‌کنند. به همین سبب در سخنرانی‌ها و مذاکرات، از گذشت و دلسوزی و ایثار خود به کشورهای در حال توسعه یاد می‌کردند، اما همه اینها در مقایسه با برنامه‌های که پس از عقد هر قرارداد و پیمان‌نامه‌ای اجرا می‌کردند، در تضاد بود. از نمونه‌های این برنامه‌ها سخنرانی دانیل گولدنی نماینده ویژه رئیس جمهور آمریکا، جانسون در امور بازرگانی خارجی است. دانیل گولدنی در مصاحبه‌ای در تاریخ 2 خرداد 1343 ش. در باره روابط تجاری ایران و آمریکا گفت: «آمریکا در داخله خود اولین و محکم‌ترین بازار مشترک را دارد، زیرا 50 ایالت آمریکا از لحاظ مرزی و تجاری و پولی کاملاً با هم مرتبط هستند و مشکلی ندارند. به همین جهت آمریکا علاقه‌مند است که تجارت خودش را با خارج منجمله ایران توسعه دهد». نماینده اعزامی ریاست جمهوری آمریکا افزود: «آمریکا در این زمینه می‌خواهد با کشورهای دوست خود مثل ایران روابط تجاری وسیع‌تری برقرار کند، خصوصاً در کشورهای در حال توسعه این انتظار می‌رود که با توسعه روابط تجاری کمک مؤثری به پیشرفت این کشورها بشود. همچنین بیان کرده بود که باید کشورها مورد مطالعه قرار گیرند که چه سرمایه‌گذاری‌هایی در این کشورها می‌توان کرد که کشورهای در حال توسعه منجمله ایران کالاهایی تولید کنند که مورد احتیاج است تا بتوانند آن را صادر کنند و در ازای آن، کالاهای مورد نیاز خود را وارد نمایند» (اطلاعات، 1343: 16 و 13). ملاحظه می‌شود که نماینده جانسون در سخنرانی خود به واردات کالا از آمریکا هم اشاره‌ای کرده است که نشانه‌ای از برنامه‌ریزی برای صادرات کالاهای خود و نه کمک به توسعه کشورها است.

بنا بر آمار منتشره در روزنامه اطلاعات سال 1347 ش. در باره واردات کالاهای خارجی: «در 9 ماه اول سال 1347 ش. سفارش واردات کالا به نصاب 57/5 میلیارد ریال

رسیده بود. واردات ۹ ماه امسال ۱۰ میلیارد ریال بیش از واردات مدت مشابه سال قبل (۱۳۴۶ش.) بود. در ۹ ماه اول سال ۱۳۴۷ش. معادل ۵۷ میلیارد و ۵۸۲ میلیون ریال سفارش واردات کالا به بانک مرکزی ایران رسیده بود که نسبت به ۹ ماه اول سال ۱۳۴۶ به میزان ۹ میلیارد و ۹۰۵ میلیون ریال افزایش نشان می‌دهد. طبق گزارش منتشره از طرف بانک مرکزی ۳۳ میلیارد و ۸۸۶ میلیون ریال آن اعتبارات اسنادی و ۲۳ میلیارد و ۶۹۶ میلیون ریال بروات دریافتی بوده است. اقلام عمده کالاهای وارداتی در ۹ ماه اول سال ۱۳۴۷ش. عبارت است از: حیوانات زنده معادل ۷۲۱ میلیون ریال، چای به میزان ۶۰۹ میلیون ریال، روغن‌های نباتی معادل ۱ میلیارد و ۱۰۴ میلیون ریال، قند و شکر به میزان ۶/۵ میلیون ریال، مواد شیمیایی شامل کربنات‌ها، سیانورها، نیترات‌ها، املاح و غیره معادل ۵۷۹ میلیون ریال، ترکیبات شیمیایی (مشتقات سلولز و پلاستیک) به میزان ۶۷۹ میلیون ریال، کولر فان، اسانس ترابنتین و ترکیبات آن معادل یک میلیارد و ۳۰ میلیون ریال، رنگ‌های مصنوعی و خمی معادل ۵۰۸ میلیون ریال، کائوچو و اشیاء ساخته شده از آن به میزان ۵۲۱ میلیون ریال، لاستیک برای چرخ وسایل نقلیه معادل ۹۰۶ میلیون ریال، چوب و اشیاء چوبی به میزان ۶۴۴ میلیون ریال، مقوا و کاغذ لفاف معادل ۹۳۴ میلیون ریال، انواع نخ ابریشم مصنوعی ۳ میلیارد و ۱۸۶ میلیون ریال، نخ، پشم و کرک مو معادل ۱ میلیارد و ۲۴۴ میلیون ریال، چدن، آهن و فولاد کار نشده به میزان ۵۵۷ میلیون ریال، آهن به شکل میله معادل ۱ میلیارد و نیم ریال، آهن ورق سیاه به میزان ۲ میلیارد و ۴۱۰ میلیون ریال، لوله‌های چدنی، فولادی، آهنی، بست و زانوهای آن معادل ۸۸۶ میلیون ریال، مس، ورق کابل مسی و اشیاء ساخته شده از مس ۱ میلیارد و ۲۰۲ میلیون ریال، موتورهای احتراقی برای اتومبیل و هواپیما و سایر وسائط نقلیه و قطعات منفصله آن

1 میلیارد و 921 میلیون ریال، موتورهای آبی (توربین، تلمبه) 1 میلیارد و 315 میلیون ریال، ماشین‌های حفاری، تخلیه کردن، باز کردن و استخراج کردن به میزان 853 میلیون ریال، ماشین قالب‌گیری معادل 587 میلیون ریال، اسباب‌های مکانیکی (شیر تنظیم آب، چرخ دنداندار و سیلندر) به میزان 2 میلیارد و 907 میلیون ریال، کنتور، زنگ سایر دستگاه‌های برقی 1 میلیارد و 841 میلیون ریال، تراکتور معادل 887 میلیون ریال، اتومبیل سواری و شکاری 750 میلیون ریال، شاسی اتومبیل، بدنه اتومبیل و قطعات منفصله آن به میزان 3 میلیارد و 659 میلیون ریال و هواپیما و قطعات منفصله آن 957 میلیون ریال» (اطلاعات، بهمن 1347: 19). باید یادآوری کرد که بیشتر این محصولات، واردات از آمریکا بود.

پیش از واردات انبوه وسایل آلات مختلف، گندم و ذرت هم از آمریکا به ایران صادر می‌شد. ایران در سال‌های 1342 و 1343 ش. از آمریکا گندم خرید. ارزش گندم خریداری شده ایران در سال 1343 ش. 5 میلیون دلار بود که از محل بودجه خواروبار برای صلح تأمین می‌شد (کیهان، اسفند 1342: 9 / اطلاعات، تیر 1343: 1). البته در باب خرید گندم ایران از آمریکا آمارهای مختلفی در دست است؛ به طور نمونه، خرید گندم در سال 1343 ش. در مجله خواندنی‌ها 70 هزار تن اعلام شده است (خواندنی‌ها، 1343: 1). پس از قرارداد خرید گندم، در سال 1342 ش. قرارداد خرید 25 هزار تن ذرت از آمریکا میان امیرعباس هویدا وزیر دارایی وقت ایران و جولوس هولمز سفیر دولت ایالات متحده بسته شد. قرار بود قرارداد دیگری هم برای خرید 50 هزار تن دیگر منعقد شود که به سرانجام نرسید (کیهان، آبان 1343: 11).

پس از عقد قراردادهای خرید گندم و جو، سفیرکبیر آمریکا در سخنانی، از قراردادهای و کوشش برای قراردادهای دیگر با ایران اظهار رضایت کرد و گفت: «خیلی خوشحالم که این قرارداد را امضاء می‌کنم، وظیفه ما حفظ و تقویت روابط دوستانه دو دولت است که هر روز این رابطه‌ها دوستانه‌تر می‌شود. قرارداد فروش ذرت برای غذای حیوانات بود و تأمین غذای حیوان به همان اندازه اهمیت دارد که تأمین غذای انسان دارد. دولت آمریکا پیوسته حاضر است به همه دوستان خود خصوصاً به دولت ایران کمک کند» (همان).

سیل واردات به ایران در بیشتر سال‌های مورد نظر پژوهش حاضر چندان بود که بانک مرکزی موازنه صادرات و واردات ایران را مطابق جدول ذیل، منفی اعلام کرد (ازغندی، ۱۳۷۶: ۲۹۱).

سال	واردات	صادرات	موازنه
1344	170/4	19/9	-151/5
1345	189/8	22/3	-167/5
1346	212/4	20/6	-191/8
1347	223/9	22/3	-201/6
1348	209/7	25/4	-184/3
1349	217/4	24/2	-193/2

باید به این نکته اشاره کرد که ایالات متحده آمریکا با صدور کالاهای مصرفی و تجاری و اسلحه به کشورهای جهان سوم و به ویژه کشورهای منطقه خلیج فارس از

جمله ایران، هم زمان دو هدف مهم را پی‌گیری می‌کرد: 1. سلطه بر بازار کشورهای منطقه خلیج فارس و ایران و در نتیجه، جذب دلارهای حاصل از صادرات و فروش نفت به اقتصاد غرب و آمریکا. 2. سلطه سیاسی و نظامی بر کشورهای منطقه از طریق صدور تسلیحات نظامی و همچنین اعزام مستشاران نظامی و کارشناسان فنی به آن کشور.

ایالات متحده آمریکا هم زمان با افزایش نفوذ در بازارهای ایران و همچنین افزایش نفوذ در مراکز تصمیم‌گیری در دولت ایران، برای ورود بیشتر کمپانی‌ها و شرکت‌های بازرگانی و تجاری بزرگ آمریکا در سال‌های 1344 ش. / 1965 م. به بعد مرکز ویژه‌ای برای جذب و حمایت از صنایع خارجی به نام کاپفی در ایران تأسیس کرد که سرمایه‌گذاری بنگاه‌های آمریکایی بیشتر از دیگر شرکت‌های خارجی بود. همه شرکت‌های خارجی می‌توانستند سود و منفعت خود را با سرپرستی قانون کاپفی به کشور خود بازگردانند. بین سال‌های 1965-1968 م. بیش از 30٪ پولی که در ایران از طریق کاپفی سرمایه‌گذاری می‌شد، دوباره به کشورها و به بنگاه‌های خارجی می‌رسید.

ایالات متحده و کمپانی‌های چند ملیتی بدین ترتیب از نوعی مصونیت اقتصادی در بازار پرسود ایران برخوردار بودند و به آسودگی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری می‌کردند. آمریکا برای گسترش سلطه اقتصادی بر ایران، علاوه بر قانون کاپفی، روش‌ها و شیوه‌های دیگری نیز به کار می‌برد و اساسی‌ترین و مهم‌ترین آنها، تسلط بر سازمان برنامه و بودجه ایران بود. ایالات متحده نقش چشمگیری در بنیانگذاری سازمان برنامه و بودجه ایران داشت و با طرح‌های مربوط به دو برنامه هفت ساله اول و دوم و سه برنامه پنج ساله سوم و چهارم و پنجم، صنایع ملی و کشاورزی ایران را به ورطه سقوط و وابستگی به دلارهای حاصل از درآمد نفت و قرضه‌های خارجی رساند (ترابی، 1379:

71-70). به گفته امام خمینی (ره): «یکی از خیانت‌هایی که شاه به کشور ما کرده است، وابسته کردن اقتصاد ما به اجانب است. اقتصاد ما، به واسطه اعمال شاه چه در اصلاحات ارضی که به طور کلی موجب فساد زراعت شده و چه هزینه‌های بسیار فوق العاده‌ای که به طور بیهوده خرج شده مثل خریدن سلاح‌های بسیار زیاد که برای ملت ما نفع ندارد که ضرر هم دارد، برای اجانب با آن سلاح‌ها پایگاه درست شده است [اینها] موجب ضعف اقتصاد و پاشیدگی اقتصادی و به هم ریختن بنیادهای اقتصادی است» (صحیفه امام، 1379: 503/4)

برنامه‌ها و طرح‌های آمریکایی برای ایران، وابستگی این کشور به کشورهای خارجی و به ویژه آمریکا را پیوسته افزایش می‌داد. با این برنامه‌ها، از سال‌های دهه 1340ش. سیل مهاجرت روستاییان و کشاورزان به شهرها افزایش یافت و بنیان اقتصاد کشاورزی ایران فرو پاشید؛ چندان که از خود کفایی موجود در بخش کشاورزی، به وابستگی به دنیای خارج رسید. در این سال‌ها سهم کشاورزی، هم در تولید ناخالص ملی و هم در تولید ناخالص مالی کاهش یافت و سطح تولید سرانه کشاورزی بسیار پایین‌تر از صنایع و به ویژه خدمات بود. بنابر شواهد، طی سال‌ها، رشد بازدهی زمینی در کشاورزی ایران مضر یا منفی بوده است؛ به عبارت دیگر، احیای اراضی نه تنها به افزایش متناسب در کل تولید منجر نشد، بلکه موجب کاهش آن نیز گردید (کریمیان، 1381: 162)

در بخش دامپروری نیز سیاست استبدادی و شبه مدرنیستی شاه در قبال تولیدکنندگان محصولات دامی موجب کاهش تولید شد. در این دوران، زندگی عشایر کوچ نشین را بارزترین شاهد عقب ماندگی تلقی می‌کردند و از طرفی، سنت‌ها و واقعیات زندگی چادرنشینی، آنان را خودمختار و قدری جنگجو نشان می‌داد که در هر صورت

شاه تاب تحمل آن را نداشت. کاهش تولیدات دامی در وضعیتی صورت گرفت که با افزایش درآمد در شهرها، تقاضا برای محصولات دامی افزایش یافته بود و به همین سبب، اولین نشانه‌های کمبود آشکار در عرضه مواد غذایی در این نوع فرآورده‌ها ظاهر شد. به این ترتیب، به رغم اصلاحات مورد نظر شاه، کشور در بخش کشاورزی و دامپروری به خارج وابسته بود.

همچنین باید به بخش وارداتی صنایع نیز اشاره کرد که در دهه 1340 ش. اهمیت خاص داشت. از سال 1342 ش. به بعد شمار کارخانه‌ها از 1902 واحد به 7989 واحد افزایش یافته بود: کارخانه‌های ذوب آهن، آلومینیم‌سازی، ابزارآلات ماشین و کارخانه‌های مونتاژ تراکتور، کامیون و اتومبیل که از دو جهت موجب گمراهی بود؛ یکی اینکه سهم صنعت در تولید ناخالص ملی 18 درصد بود، یعنی به مراتب از سهم خدمات (35 درصد) و نفت (35 درصد) کمتر و دیگر اینکه، صادرات صنعتی غیرنفتی تنها 2 تا 3 درصد همه صادرات کشور را تشکیل می‌داد و این، در مقایسه با کشورهای مثل هندوستان (بیش از 50 درصد)، سنگاپور (60 درصد) و مکزیک (3 درصد) بسیار ناچیز بود (کریمیان، 1381: 163). به رغم موفقیتی که در پرتو آمار کلی دیده می‌شود، صنعت ایران مشکلات و دشواری‌های جدی داشت: کارخانه‌ها به سبب کمبود تکنسین و مدیر و مشکلات اداری، پایین‌تر از ظرفیت کار می‌کردند و هزینه تولید بسیار بالا و قابلیت صادرات ضعیف بود.

همچنین باید اشاره کرد که در دهه 1340 ش. به سبب افزایش تسهیلات بندری، حجم واردات به گونه قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته بود (اقتصاد ایران، 1363: 153). این سیل عظیم واردات، ایران را به آمریکا وابسته‌تر می‌کرد. به گفته امام خمینی (ره):

«اگر مملکت شما در اقتصاد نجات پیدا نکند، وابستگی اقتصادی داشته باشد، همه جور وابستگی‌ها دنبالش می‌آید. وابستگی سیاسی هم پیدا می‌کنیم، وابستگی نظامی هم پیدا می‌کنیم. برای اینکه وقتی ما چیزی نداشته باشیم که استفاده ازش بکنیم، دستان را دراز کنیم طرف آمریکا. او می‌تواند به ما تحمیل کند همه چیز را» (صحیفه امام، ۱۳۷۹: 426/11).

صادرات کالا از ایران به آمریکا

از ایران اجناسی به کشورهای غربی و به ویژه آمریکا صادر می‌شد. در باره صادرات ایران به آمریکا، مذاکراتی در دو کشور صورت می‌گرفت، از آن جمله در دیدار نماینده رئیس جمهور آمریکا از ایران و بحث برای افزایش صادرات از ایران به آمریکا. در این دیدار دانیل گولدی نماینده ویژه جانسون در امور بازرگانی، بر روابط بیشتر و ایجاد زمینه‌های مناسب برای روابط در آینده تأکید کرد و اینکه هدف او از سفر به ایران بررسی و مطالعه لازم برای افزایش میزان مبادلات میان دو کشور است. به نظر او، در آمریکا محصولاتی هست که فقط در ایران بازار فروش و مصرف دارد و سرمایه‌گذاران آمریکایی نیز مایلند در ایران سرمایه‌گذاری کنند. دانیل گولدی اظهار داشت که آمریکا مایل است بیشتر از آنچه به ایران صادر می‌کند، از ایران کالا بخرد. هدف آمریکا، توسعه منابع داخلی و عمرانی از طریق توسعه تجارت است (کیهان، خرداد ۱۳۴۳: ۹) که البته این شیوه روابط، تنها ظاهر ماجرا بود و برای توسعه کشور ایران منافی نداشت.

گولدی در باره کمک آمریکا برای افزایش صادرات ایران گفت: «آمریکا تسهیلاتی در اختیار ایران و سایر کشورهای در حال توسعه قرار می‌دهد تا منابع تولیدی خود را در

خارج از کشور به فروش برسانند» (اطلاعات، خرداد 1343: 13). هدایایی که سران دولت ایران به سردمداران آمریکایی تقدیم می‌کردند، تا حدودی روشنگر ماجرای صادرات از ایران هست:

«مبادله دائمی هدایای مختلف، روابط بین ایران و آمریکا را تحکیم می‌کرده است. سنگین‌ترین هدایا از طرف ایران می‌رسید. سیل خاویار، پسته و تعارفات برای دولت جانسون سرازیر می‌شد. قهرمان این سخاوتمندی‌ها اردشیر زاهدی بود که به ندرت روز تولدی را فراموش می‌کرد، یا بیماری یکی از اعضای خانواده شماره یک آمریکایی‌ها را نادیده نمی‌گرفت. زاهدی چه در لندن به عنوان سفیر ایران در انگلیس و چه در تهران به عنوان وزیر امور خارجه، همواره وجود خود را به سیاست‌گزاران آمریکایی یادآور می‌شد. هوشنگ انصاری نیز از نظر اهداء هدایای مختلف بعد از زاهدی قرار داشت» (بیل، 1371: 288).

نخستین کالا در برنامه صادراتی ایران، نفت بود، طلای سیاه؛ همه برنامه‌ها به درآمد نفت بستگی داشت و رشد عواید نفت به سقوط سهم صادرات غیر نفتی می‌انجامید. به بیان دیگر، در آستانه «دروازه‌های تمدن بزرگ» صادرات کالاهای کشاورزی و صنعتی ایران تنها 2 درصد کل صادرات کشور را شامل می‌شد (نجاتی، 1371: 346). این میزان از صادرات صنعتی ایران نیز بیشتر به کشورهای همجوار بود تا به کشورهای پیشرفته. صادرات محصولات صنعتی ایران در سال 1342 ش. بالغ بر یکصد میلیون دلار بود: صندلی‌های فلزی، بخاری، آب‌گرمکن، تلویزیون و در نهایت صادرات اتومبیل جیپ به کشور افغانستان (خواندنی‌ها، خرداد 1343: 7).

صادرات کالاهای غیر نفتی در بین سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۶ ش. از ۸/۶۰ میلیارد ریال به ۱۳/۶۳ میلیارد ریال افزایش یافت که در مقایسه با ارزش واردات در همین سال‌ها به حدود سه برابر می‌رسید. در حالی که بیشترین حجم واردات به کالاهای صنعتی اختصاص داشت. کالاهای صادراتی مانند گذشته تولیدات کشاورزی از جمله پنبه، میوه‌های تازه، خشکبار و اقلام دیگر همچون فرش، انواع پوست و چرم، خاویار، روده، کتیرا و زیره بودند (ازغندی، ۱۳۷۶: ۳۴۱).

در سال ۱۳۴۲ ش. مذاکراتی برای صادرات سنگ کُرْم، در مقابل دریافت محصولات کشاورزی از آمریکا در ایران انجام گرفت. صادرکنندگان ایرانی مایل بودند به قراردادی همچون قرارداد ترکیه با آمریکا برسند. در آن قرارداد، ترکیه در مقابل صدور سنگ کُرْم، هر سال مقداری محصولات کشاورزی از آمریکا وارد می‌کرد. در حدود یک سال قبل از آن، ایران برای انعقاد قراردادی مانند قرارداد ترکیه، با آمریکا وارد مذاکره شده بود. این مذاکرات کم و بیش در سال ۱۳۴۲ ش. ادامه داشت و سرانجام آمریکا برای واردات سنگ کُرْم با ترکیه قرارداد بست. ایران مایل بود در مقابل صادرات سنگ کُرْم، از آمریکا گندم و روغن دریافت کند (اطلاعات، خرداد ۱۳۴۲: ۸).

از دیگر اقلام صادراتی ایران به خارج از کشور به ویژه به آمریکا، کود شیمیایی بود. در اسفند ماه سال ۱۳۴۲ اشاره‌ای به صادرات ۵۰ هزارتن کود شیمیایی به آمریکا دیده می‌شود. پیشنهادهایی برای خرید کود شیمیایی ایران از کشورهای آمریکا، انگلستان و ممالک آفریقایی به ایران رسیده بود (کیهان، اسفند ۱۳۴۲: ۹).

در میان اجناسی که به آمریکا صادر می‌شد، سهم پسته و پارچه از همه بیشتر بود. طی سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۴۲ ش. که مورد مطالعه این پژوهش است، برای نخستین

بار پسته ایران در سال 1343ش. صادر شد. در این سال، آمریکا برای خرید پسته ایران به مظنه تنی 900 تا 1000 دلار برای معامله حاضر بود، ولی تاجران ایرانی منتظر قیمت بازار جهانی بودند تا مظنه قیمت را در دست داشته باشند. گذشته از ایران، ترکیه هم در صادرات پسته به آمریکا و کشورهای اروپایی دست داشت (کیهان، شهریور 1343: 9).

پسته فقط به آمریکا صادر نمی‌شد؛ مثلاً 50 تا 60 تن پسته در سال 1343ش. به کشورهای عربی صادر گردید. در این هنگام، تاجران آمریکایی در پی فرصتی بودند تا قیمت پسته ایران کاهش یابد و آنها خرید را آغاز کنند (کیهان، آبان 1343: 9). در آذر ماه سال 43 آمریکا خرید پسته ایران را آغاز کرد و قرارداد خرید 1500 تن پسته ایران به امضاء رسید. با خرید آمریکا، معاملات ایران با کشورهای عربی محدودتر شد. (کیهان، آذر 1343: 9).

بیشترین معاملات پسته ایران در سال 1347ش. با آمریکا بود و بر اساس آمارهای موجود، تا اوایل آذر ماه آن سال، 1700 تن پسته به آمریکا صادر شد. قیمت پسته صادراتی ایران به آمریکا تنی 1200 دلار و هر کیلویی 90 ریال معامله شد و این با قیمت پسته صادراتی ترکیه یکسان بود (اطلاعات، آبان 1347: 19).

در دهه 40 شمسی، پارچه نیز از جمله کالاهای صادراتی ایران به آمریکا بود. بنا بر قرارداد میان شرکت سهامی کارخانجات ایران و یکی از مؤسسات تجاری آمریکایی، طرف ایرانی موظف بود در مدت سه ماه 600 هزار متر پارچه در چیت سازی تهران تولید و به آمریکا صادر کند. قرارداد مذکور با صدور 200 هزار متر پارچه به آمریکا آغاز شد (اطلاعات، شهریور 1345: 16) و در مراحل بعدی، در پی افزایش صادرات پارچه نیز بودند.

بر اساس آمار سال ۱۳۴۴ش. صادرات ایران افزایش یافت: در دو ماهه فروردین و اردیبهشت، مجموع کل صادرات ۱۵۰ میلیون تومان بود که این رقم، نسبت به ماه‌های مشابه سال قبل ۳۵ میلیون تومان افزایش نشان می‌داد. در دو ماهه فروردین و اردیبهشت ۳۱٪ نسبت بر ارزش و ۳۳٪ بر وزن صادرات اضافه شده بود. مهمترین اقلام صادراتی کشور، خشکبار ۱۶۸٪ نسبت به سال ۱۳۴۳ بیشتر صادر شده بود؛ پس از آن کود شیمیایی ۱۴۷٪، خاویار ۷۸٪، سیمان ۷۱٪، پنبه ۵۱٪ و سنگ‌های معدنی ۴۹٪. در میان اقلام صادراتی، صادرات دامی کاهش یافته بود: پوست و چرم ۴۰٪ و پشم و گرگ و مو و احشام زنده ۶۲٪ (اطلاعات، خرداد ۱۳۴۴: ۸).

در اسفند ماه سال ۱۳۴۷ صادرات ایران کاهش یافت. بنا بر دفتر آمار وزارت دارایی، در یک ماهه اسفند، صادرات ایران به ۱۵۲۷ میلیون ریال رسید که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۷۹ میلیون ریال کاهش نشان می‌داد. تنزل صادرات ایران به کاهش صدور پنبه، فرش، پوست و چرم، کلوخه‌های کانی و معدنی، کتیرا، زیره، ریشه شیرین بیان، سیمان و کفش مربوط می‌شد. اما صادرات میوه‌های تازه و خشکبار، روده، پشم و گرگ و مو، خاویار، روغن نباتی افزایش داشت. بنا بر آمار، فرش ۲۶ درصد کل صادرات کشور و پس از آن پنبه ۱۸ درصد و میوه‌های تازه و خشک با ۱۴ درصد در مقام سوم بود (اطلاعات، فروردین ۱۳۴۷: ۱۹).

آمار خرید تجهیزات نظامی از آمریکا

با فروش نفت و اختصاص دلارهای نفتی به خریدهای کلان اسلحه و تجهیزات نظامی، ایران به انباری از مهمات تبدیل شده بود. ارتش ایران به لحاظ پرسنل و کادر

وظیفه و امکانات نظامی بسیار رشد کرده بود، چندان که تا حدی از فرط سنگینی قدرت تحرک خود را از دست داده و به قول تئودور سورنسن از مشاوران شخصی کندی؛ این ارتش «برای مناقشات مرزی و حفظ امنیت داخلی بسیار بزرگ و برای جنگی تمام عیار بی‌فایده بود» (هادیان، 1376: 196).

البته بابت خریدهای نظامی ایران، در کنگره و مطبوعات آمریکا مخالفت‌هایی می‌شد (نجاتی، 1371: 343)، با این همه، ایران در پی افزایش خرید سلاح از آمریکا بود. شاه همواره می‌کوشید بودجه نظامی را افزایش دهد و به سبب فشارهای او، دولت ناچار می‌شد بودجه برخی طرح‌های عمرانی را بکاهد یا آنها را اجراء نکند (علم، 1380: 104-105).

سال	فروش	اهداء	جمع
1965(1344)	0	49/1	49/1
1966(1345)	3/6	44/00	44/6
1967(1346)	38/8	10/6	49/6
1968(1347)	52/1	5/2	57/3
1969(1348)	94/8	3/1	97/9

آمار فروش و اهدای ادوات نظامی به نقل از: بیل، 1371: 280

با نگاهی به بخش اهداء و فروش متوجه می‌شویم که برخلاف سال‌های اول، در سال‌های آخر اجناس اهدائی کاهش یافته و تقاضا برای خرید تجهیزات نظامی بیشتر شده است.

بدین ترتیب، با تداوم وابستگی ایران به تسلیحات نظامی، شاه به شکل گسترده‌ای در جهت تقویت نیروی نظامی اقدام کرد و بنابراین، باز هم خرید تجهیزات نظامی پیشرفته را از آمریکا در دستور کار خود قرار داد؛ از جمله خریدها می‌توان به جنگنده بمب افکن F-۷ و تانک‌های M-۴۷ اشاره کرد که از آمریکا خریداری شده بود (کدی-گازیوروسکی، ۱۳۸۶: ۱۶۲).

در برنامه خرید نظامی ایران از آمریکا می‌توان میزان خریدهای ایران را به شکل جدول زیر نشان داد (برودین، ۱۳۵۳: ۱۲۹-۱۲۶)

سال	مبالغ خرید به میلیون دلار
۱۹۶۵(۱۳۴۴)	۶۹
۱۹۶۶(۱۳۴۵)	۱۲۴
۱۹۶۷(۱۳۴۶)	۱۴۸
۱۹۶۸(۱۳۴۷)	۶۹
۱۹۶۹(۱۳۴۸)	۲۳۶

بدین ترتیب، ایران خریدار و مصرف کننده تولیدات نظامی آمریکا بود. شرکت‌های آمریکایی برای فروش و جلب نظر مسئولان ایران با هم رقابت می‌کردند. در آمریکا همیشه بر سر این مسأله که کدام شرکت یا کمپانی با ایران قرارداد فروش تجهیزات نظامی امضاء کند، در رقابت بودند. شرکت ماکدونل دوگلاس در این مسیر موفق‌تر به نظر می‌رسید، زیرا توانسته بود موافقت سرلشکر حسن طوفانیان معاون تسلیحاتی وزارت جنگ ایران را برای خرید هواپیمای اف-۱۵ ساخت این شرکت جلب کند. شرکت

آمریکایی دیگر به نام گرومت نیز وارد رقابت شد و می‌کوشید هواپیمای اف-14 تومکت ساخت خود را وارد نیروی هوایی ایران کند (بوندرافسکی، اِبی تا: 94-95).

نتیجه

روابط اقتصادی ایران و آمریکا در دراز مدت آسیب‌های جدی به بخش‌های تولیدی و کشاورزی ایران وارد کرد و موجب وابستگی کشور در زمینه بسیاری از کالاهای اساسی، به کشورهایی چون آمریکا شد. در این دوره، علی‌رغم برخورداری از منابع عظیم نفتی و مواد طبیعی و معدنی به سبب وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی به آمریکا در بسیاری از موارد، کشور به محصولات وارداتی متکی بود.

با افزایش صادرات نفت و افزایش قیمت آن، امید می‌رفت که اوضاع اقتصادی و تجاری ایران سخت متحول شود، ولی بر اثر سیاست‌های نادرست دولت و ناهماهنگی‌ها، اقتصاد ایران هر چه بیشتر به آمریکا وابسته شد.

در زمینه صادرات کالاهای غیرنفتی، در قیاس با واردات، افزایش قابل ملاحظه‌ای دیده نمی‌شد؛ هر چند که در نتیجه اقدامات مؤثر دولت و فعالیت‌های بازرگانی و همچنین کمک‌های اقتصادی آمریکا طی سال‌های 1346-1347 ش. حدود یک سوم به صادرات ایران و کالاهای صادراتی تازه افزوده شده بود. از سوی دیگر، افزایش واردات ایران از آمریکا و وابستگی‌ها، حضور مستشاران آمریکایی به ایران را در پی آورد.

بخش عظیمی از عواید نفت با خرید فن‌آوری‌های پیشرفته از جمله در زمینه‌های نظامی و نیز تأسیس کارخانجات جدید به دست سرمایه‌گذاران خارجی، در واقع عاید خود آمریکا می‌شد و از سوی دیگر، این موضوع کمک‌چندانی به توسعه اقتصادی نکرد، زیرا سرمایه‌گذاران خارجی عمدتاً در بخش‌هایی سرمایه‌گذاری می‌کردند که بتوانند به

راحتی به سودهای سرشار برسند. سرمایه‌گذاران بدون توجه به نیازهای کشور و تنها با انگیزه سود شخصی فعالیت می‌کردند، حال آنکه ایران با برخورداری از نیروهای متخصص و امکانات طبیعی سرشار، قابلیت تولید بسیاری از آن کالاهای وارداتی را در داخل کشور داشت. از این رو، تراز تجاری کشور با آمریکا علی‌رغم افزایش قیمت نفت در دهه ۵۰ شمسی تغییر چندانی نکرد و همچنان به سود آمریکا باقی ماند.

منابع و مأخذ

اسناد

اسناد لانه جاسوسی آمریکا، (1386)، کتاب اول تا ششم و هشتم، ترجمه: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام تهران: موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی

ایران در بند «روابط خارجی، مجموعه اسناد جاسوسی آمریکا»، (1386) بخش دوم، جلد هفتم، ترجمه: دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، تهران: نشر مرکز اسناد لانه جاسوسی آمریکا

آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، اعلامیه سید محمد سعیدی، در باره سرمایه‌گذاران آمریکائی، 49/3/1

کتابها

آبراهامیان، پرواند، (1379)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی

ازغندی، علیرضا، (1376)، روابط خارجی ایران «دولت دست نشاند» 57-1320، چاپ اول، تهران: نشر قومس

برودین، ویرجینیا و مارک سلان کیث باکانان و جان دو ور، (1353)، راز آشکار (دکترین نیکسون، کیسینجر در آسیا)، ترجمه: مهدی تقوی و عبدالله کوثری، تهران: توس

بوندارفسکی، اِبی تا، مداخلات آمریکا در ایران (مجموعه 16 گفتار رادیویی)، اِبی جا، نشر بُرنا

بیل، جیمز، (1371)، شیر و عقاب، چاپ اول، ترجمه: مهوش غلامی، تهران: نشر کوبه

ترابی، یوسف، (1379)، بررسی روابط اقتصادی و نظامی ایران و آمریکا، تهران: نشر عروج

خمینی، روح الله، (1379)، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (ره)، (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها)، جلد دوم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

_____، (1379)، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (ره)، (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها)، جلد چهارم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

_____، (1379)، صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی (ره)، (بیانات، پیامها، مصاحبهها، احکام، اجازات شرعی و نامهها)، جلد یازدهم، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

- درویش سه تلانی، فرهاد، (۱۳۷۶)، مناسبات امنیتی - نظامی آمریکا و ایران ۱۳۳۲-۵۷، تهران: معاونت تحقیق و پژوهش
- ذوقی، ایرج، (۱۳۷۴)، مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، چاپ چهارم، تهران: نشر پازنگ
- روبین، باری، (۱۳۶۳)، جنگ قدرتها در ایران، چاپ اول، ترجمه: محمود مشرقی، تهران، نشر آشتیانی
- علم، اسدالله، (۱۳۸۰)، یادداشت‌های علم، جلد اول «از ۱۳۴۷/۱۲/۲۴ تا ۱۳۴۸/۱۲/۲۹»، چاپ دوم، ویراستار: علی خانی، انتشارات مازیار و معین
- کدی، نیکی و گازیوروسکی، (۱۳۸۶)، نه شرقی - نه غربی، بررسی روابط ایران با اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا، ترجمه: الهه کولائی و ابراهیم متقی و داود آبی، میزان
- کریمیان، علیرضا، (۱۳۸۱)، جنبش دانشجویی در ایران از تأسیس دانشگاه تا پیروزی انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی
- گازیوروسکی، مارک.ج، (۱۳۷۳)، سیاست خارجی آمریکا وشاه، ترجمه: جمشید زنگنه، تهران: خدمات فرهنگی رسا
- نجاتی، غلامرضا، (۱۳۷۱)، تاریخ سیاسی بیست ساله ایران، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا
- هادیان، سید کمال الدین، (۱۳۷۶)، سیاست خارجی آمریکا و منافع ملی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات هاد- فرس،
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، (۱۳۷۵)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۰۰)، چاپ سوم، تهران: نشر البرز

روزنامه‌ها و مجلات

- اطلاعات، سال‌های ۱۳۴۷-۱۳۴۲ ش.
- کیهان، سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۴۲ ش.
- مجله خواندنی‌ها، سال ۱۳۴۳ ش.
- اقتصاد ایران، ۱۳۶۳ (نشریه مؤسسه حسابرسی سازمان صنایع ملی سازمان برنامه، ش. ۵۳/ ن. ۸، تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی)

